

نسخه نو یافته رباعیات اوحدالدین کرمانی

سید علی میرافضلی

| ۲۱۷-۱۹۵ |

Newly Discovered Manuscript of the Quatrains of Owḥad al-Dīn Kirmānī
Seyyed Ali Mirafzali

Abstract: Sheikh Owḥad al-Dīn Kirmānī (561-635 AH) is a prominent figure in the history of Iranian Sufism and Persian Sufi poetry, with around two thousand quatrains attributed to him. He spent most of his life in Anatolia, nurturing numerous disciples. Some of his followers in the latter half of the 7th century AH undertook the task of collecting and compiling his quatrains. The author of «Nuzhat al-Majālis,» a contemporary of Owḥad al-Dīn Kirmānī, included 53 quatrains in his book. Among the ancient manuscripts of Owḥad al-Dīn Kirmānī's quatrains is manuscript No. 2910 at the Hagia Sophia Library, containing 1641 quatrains compiled into 12 chapters, transcribed around 706 AH. Another manuscript, containing 1136 quatrains, titled «Anīs al-Ṭālibīn va Jalīs al-Ṣāliḥīn,» was compiled by the son of one of Owḥad al-Dīn's disciples in the second half of the 7th century AH and is preserved in Istanbul University Library. This manuscript is also thematically organized into 76 chapters. In this article, we introduce another ancient manuscript of Owḥad al-Dīn's quatrains, compiled thematically in the late 7th or early 8th century AH, containing 1349 quatrains. This manuscript is part of the Amir Khwaja Collection in the library of Haji Salim Agha in Istanbul.

Keywords: Owḥad al-Dīn Kirmānī, quatrains, Iranian mysticism, Turkish libraries, Amir Khwaja Library

چکیده: شیخ اوحدالدین کرمانی (۵۶۱-۶۳۵ ق) از چهره‌های شاخص تاریخ تصوف ایران و شعر صوفیانه فارسی است که حدود دو هزار رباعی به او منسوب است. وی بیشتر عمر خود را در آناتولی گذراند و مریدان بسیار پرورش داد. برخی از مریدان او در نیمه دوم قرن هفتم هجری به گردآوری و تدوین رباعیاتش پرداختند. مؤلف نزهة المجالس که هم‌عصر اوحد کرمانی بود، ۵۳ فقره از رباعیاتش را کتاب خود نقل کرد. از جمله نسخه‌های کهن رباعیات او، دستنویس شماره ۲۹۱۰ کتابخانه ایاصوفیاست که در آن ۱۶۴۱ رباعی اوحد در ۱۲ باب گردآوری و در حدود ۷۰۶ ق کتابت شده است. نسخه دیگر رباعیات شیخ که در بردارنده ۱۱۳۶ رباعی است و انیس الطالبین و جلیس الصالحین نام دارد، گردآورده فرزند یکی از مریدان شیخ در نیمه دوم قرن هفتم هجری است و در کتابخانه دانشگاه استانبول نگه‌داری می‌شود. این نسخه نیز تبویب موضوعی دارد (۷۶ باب). در مقاله حاضر، نسخه کهن دیگری از رباعیات اوحد کرمانی را معرفی می‌کنیم که در اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم به صورت موضوعی تدوین شده و دارای ۱۳۴۹ رباعی است. این نسخه، متعلق به مجموعه کمانکش امیرخواجه در کتابخانه حاجی سلیم آقای شهر استانبول است.

کلیدواژه‌ها: اوحدالدین کرمانی، رباعی، عرفان ایرانی، کتابخانه‌های ترکیه، کتابخانه کمانکش امیرخواجه



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شیخ اوحدالدین ابو حامد محمد بن ابی الفخر مشهور به اوحد کرمانی (۵۶۱-۶۳۵ ق) از صوفیان نامدار قرن هفتم هجری و از رباعی سرایان مشهور است. وی در نوجوانی از کرمان به بغداد رفت و در آنجا به حلقهٔ مریدان شیخ رکن الدین سجاسی پیوست و پس از سیاحت بسیار در بلاد اسلامی، منطقهٔ آناتولی (ترکیه کنونی) را برای فعالیت خود برگزید و در آنجا طریقت اوحدیه را بنیان نهاد و مریدان زیادی پرورش داد. صدرالدین قونوی و شیخ نصیرالدین خوبی از جمله شاگردان معروف او هستند. اوحد کرمانی با برخی از بزرگان حوزهٔ تصوّف در دوران حیات خود دیدار کرد. در برخی منابع به دیدارهای او با محی الدین ابن عربی، شمس تبریزی و سعدالدین حمّوئی اشاره شده است (رک. دیوان رباعیات، مقدمه، ۶۲-۶۷). اوحد کرمانی به دلیل نگرش و منش جمال پرستی، مورد انتقاد برخی از هم عصرانش بود و شمس تبریزی و مولانا، این شیوهٔ او را نقد کرده اند (مناقب العارفین، ۲۷۶، ۳۸۶) و شیخ شهاب الدین سهروردی او را مُبتدع خوانده است (نفحات الانس، ۵۸۷). رباعی مشهور زیر چکیدهٔ دیدگاه‌های اوحد را در مورد جمال پرستی نشان می‌دهد (دیوان رباعیات، ۲۳۴):

ز آن می‌نگرم به چشم سر در صورت کز عالم معنی است اثر در صورت
این عالم صورت است و ما در صورتیم معنی نتوان دید مگر در صورت

اوحد کرمانی سه سال پیش از مرگش به بغداد رفت. در همان ایام (۶۳۲ ق)، شیخ شهاب الدین سهروردی وفات یافت. اوحد بر جنازهٔ شیخ نماز گزارد و از طرف المستنصر خلیفهٔ عباسی، به جای او به مقام شیخ الشیوخی منصوب شد و در رباط مرزبانیه که در بخش غربی بغداد بود، استقرار یافت (الحوادث الجامعة، ۴۴-۴۵). وی روز دوشنبه سوم شعبان سال ۶۳۵ ق در بغداد فوت کرد (مجمّل فصیحی، ۲: ۷۹۰) و او را در قبرستان شونیزیّهٔ آن شهر به خاک سپردند.

رباعیات اوحدالدین کرمانی

اوحد کرمانی یکی از رباعی سرایان نامدار تاریخ رباعی فارسی است. از او بیش از ۲۰۰۰ رباعی باقی مانده است که چند تن از دوستان او، آن‌ها را در مجموعه‌های جداگانه تدوین و تبویب کرده اند. دستنویس یکی از این مجموعه‌ها که دارای ۱۷۲۱ رباعی است، به شمارهٔ ۲۹۱۰ در کتابخانهٔ ایاصوفیا در شهر استانبول ترکیه نگه‌داری می‌شود.^۱ تاریخ گردآوری این مجموعه معلوم نیست، ولی تاریخ کتابت آن در حدود ۷۰۶ ق است. احمد ابو محبوب این دستنویس را تصحیح و با عنوان دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی منتشر کرده است. ابو محبوب رباعیات پراکندهٔ اوحد را از چند دستنویس دیگر گردآورد و به دستنویس ایاصوفیا الحاق کرد و شمار رباعیات منسوب به اوحد

(۱) این دستنویس، ۸۰ رباعی تکراری دارد. سه شعر آن رباعی نیست، ولی در ردیف رباعیات جای گرفته و ۱۴ رباعی به زبان عربی است. با حذف رباعیات تکراری و عربی و اشعار غیر رباعی، شمار رباعیات فارسی این دستنویس به ۱۶۴۱ رباعی می‌رسد.

کرمانی را به ۱۸۰۷ رباعی رساند.

دستنویس دیگری از رباعیات اوحد کرمانی که گردآورده فرزند یکی از مریدان شیخ در اواخر قرن هفتم هجری است، انیس الطالبین و جلیس الصاحین نام دارد و نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است (به شماره ۰۱.FY.۷۰). این دستنویس، به ابواب مختلف تبویب شده و دارای ۱۱۶۲ رباعی است.^۲ برخی از رباعیات اوحد، منحصر به همین دستنویس است و ضبط برخی از رباعیات، با دستنویس قبلی متفاوت است. پیداست، گردآورنده این مجموعه، منبع متفاوتی در اختیار داشته است. تاریخ کتابت این نسخه معلوم نیست، ولی یادداشت انتقالی به تاریخ ۷۳۹ ق و یادداشت‌هایی به تاریخ ۷۰۶ و ۷۶۰ ق دارد.

در ربع اول قرن هشتم، یکی از دوستداران ادب و عرفان ایرانی ساکن شهر آنکارا، به نام علی بن دوستخدا آنقروی، گزیده‌ای از رباعیات اوحد کرمانی جمع کرد و در سفینه خود به یادگار نوشت.^۳ نام این جنگ، سفینه روحی و مجموعه نوحی است و در حال حاضر نسخه خطی آن متعلق به کتابخانه حالت افندی ترکیه است (شماره ۲۳۸.EK). نسخه فاقد رقم کاتب است، ولی به قرینه نسخ دیگری که علی بن دوستخدا در سال‌های ۷۰۷ ق (کتابخانه پرتو پاشا، شماره ۲۳۱)، ۷۲۰ ق (کتابخانه ایاصوفیا، شماره ۳۶۹۱)، ۷۲۲ ق (کتابخانه سرز، شماره ۱۴۹۷) و ۷۲۷ ق (کتابخانه فاتح، شماره ۵۴۲۶) کتابت کرده، کتابت نسخه رباعیات اوحد کرمانی نیز باید در همین حدود و حوالی باشد. این گزیده، در بردارنده ۲۲۳ رباعی است.

پژوهشگر ترک، محمد کانار، با استفاده از سه دستنویس مذکور و چند منبع دیگر (مناقب اوحد و نزهة المجالس)، موفق به گردآوری ۲۲۰۲ رباعی اوحد شد و همه آن‌ها را به زبان ترکی ترجمه کرد (استانبول، ۱۹۹۹م).

شیخ امین‌الدین حاج بله تبریزی (د. ۷۲۰ ق) به رباعیات اوحد کرمانی علاقه زیادی داشت و منتخبی از آن‌ها را که بالغ بر ۳۹۸ رباعی است، برای خود فراهم آورد. این گزیده به صورت موضوعی در دوازده باب سامان یافته و ابوالمجد تبریزی (شاگرد شیخ امین‌الدین) یک سال بعد از مرگ استادش آن‌ها را در سفینه تبریز کتابت کرده است. نگارنده، این گزیده را با خوانی کرده و به سال ۱۳۹۴ در کتاب جنگ رباعی به چاپ رسانده است.

علاوه بر این، رباعیات پراکنده اوحد بعد از مرگ او، از نیمه قرن هفتم تا اواسط قرن نهم هجری

۲) در این نسخه نیز دو قطعه شعر غیر رباعی آمده، چهار رباعی آن سروده دیگران است (در مرثیه شیخ اوحد کرمانی) و ۲۲ رباعی نیز تکراری است. بنابراین، شمار رباعیات خود شیخ بالغ بر ۱۱۳۶ رباعی است.

۳) همان‌طور که در سطر بعدی یادآور شدیم، نسخه فاقد رقم کاتب است. نخستین بار، هلموت ریتز به هویت کاتب و زمان تقریبی کتابت نسخه پی بُرد. بنده در مقاله «سفینه نوحی و مجموعه روحی» به تفصیل بیشتر و با شواهد دقیق‌تر در مورد کاتب و تاریخ کتابت نسخه بحث و بررسی کرده‌ام.

در حدود ۱۰۰ متن نقل یا به یادگار نوشته شده است. از این حیث، می توان گفت محبوبیت او بین مخاطبان کتابخوان، بیش از همه رباعی سرایان دیگر (خیام، مهستی، عطار، مولانا، افضل کاشی و کمال اسماعیل) بوده است. در نزهة المجالس جمال خلیل شروانی ۵۳ رباعی و در سفینه کهن رباعیات ۱۳۳ رباعی به اسم اوحد نقل شده است. هر دو مجموعه، در قرن هفتم فراهم شده است و از اقبال مخاطبان به رباعیات او خبر می دهد. نگارنده، در سال ۱۳۸۶ شمسی، ۲۵۳ فقره از رباعیات اوحد کرمانی را از ۲۸ منبع کهن را برآورد و در کتاب شاعران قدیم کرمان عرضه داشت.

معرفی منبع کهن نویافته رباعیات اوحد

با دستیاب شدن تصویر دستنویس های فارسی کتابخانه های ترکیه، موفق به شناسایی یکی از منابع مهم و ناشناخته رباعیات اوحد شده ایم که تاکنون مورد توجه و بررسی پژوهشگران قرار نگرفته است. این مجموعه، در اوایل سده هفتم یا اوایل سده هشتم هجری فراهم آمده است و تدوین مستقلی از رباعیات اوحد محسوب می گردد. نسخه خطی این مجموعه به شماره ۲۴۳ در کتابخانه کمانکش امیرخواجه در شهر استانبول نگهداری می شود. کتابخانه مذکور، جزوی از مجموعه کتابخانه های حاج سلیم آقا به شمار می آید. دستنویس کمانکش، ۱۵۸ برگ دارد و شامل سه بخش است: بخش نخست، به رباعیات اوحد اختصاص دارد (برگ ۲-۱۳۸ پ). این بخش، به خط نسخ کتابت شده، ولی فاقد رقم است. از طرز کتابت و نوع گردآوری رباعیات اوحد حدس می زنم که در اوایل سده هشتم ق کتابت شده باشد. خط دوربای آخر اوحد کرمانی با خط بقیه رباعیات متفاوت است، و نمی دانم که در همان عهد نوشته شده، یا بعداً دیگری آن ها را افزوده است.

بخش دوم دستنویس، مثنوی کوتاهی است در ۲۸ بیت که به خواجه نصیرالدین طوسی منسوب شده (برگ ۱۳۸ پ-۱۳۹ ر) و با این بیت آغاز می شود:

به هفتصد سنین و به عشرين و هشت جهانی بخواهد پُر آشوب گشت

قسمت آخر مجموعه، مثنوی مصباح الارواح است (برگ ۱۳۹ ر-۱۵۷ پ) که در اصل، سروده شمس الدین بردسیری شاعر قرن ششم هجری است، ولی در نسخه کمانکش و بعضی منابع دیگر، به اوحدالدین کرمانی منسوب شده است (در این مورد رک. مصباح الارواح، ۱۷-۲۰، مقدمه فروزانفر). این دو بخش، به خطی غیر از خط اصلی در جداول خالی که متعلق به رباعیات اوحد بوده و برای آن منظور تهیه شده بوده، بدون رعایت مسطر و خط کرسی کتابت شده است.

در برگ آغاز نسخه، یادداشتی به زبان ترکی و به قلم سید حاج عبدالقادر مشهور به امیرخواجه اسکداری دیده می شود که حاکی از وقف نسخه است. این یادداشت را امیرخواجه کمانکش، بانی کتابخانه کمانکش در آغاز همه نسخه های کتابخانه خود نوشته است. بالای یادداشت، عنوان کتاب چنین درج شده: مصباح الارواح للکرمانی قدس سره. زیر عنوان کتاب، مالک نسخه یا فرد

دیگری با مداد تاریخ وفات سراینده را چنین رقم زده است: ۶۹۷ وفات. این تاریخ، نه تاریخ وفات اوحد کرمانی است و نه شمس الدین بردسیری. زیرا داشت وقف، مهر کتابخانه دیده می شود: «وقف هذا الكتاب السيد عبد القادر الشهير بامير خواجه الاسكداري بجامع والده سلطان عتيق في الاسكدار صانه الله تعالى عن الاكدار سنه ۱۳۰۵».

در پایان منظومه مصباح الارواح این رقم دیده می شود: «تمت كتاب المصباح الارواح بعون الله تعالى للشيخ الكامل الواصل الرباني الشيخ اوحد الدين الكرمانی قدس الله سرّه العزيز» (برگ ۱۵۷ پ). اما در ورق بعد به خطی که شبیه خط خواجه کمانکش است نه کاتب منظومه مصباح الارواح، چنین آمده: «استنساخ تاریخ اتمام کتاب مصباح الارواح ۷ شهر جمادی الآخر سنه ۲۳۱۳۲۹ مانس الرومی سنه ۱۳۲۷ یوم الاثنين باغلباشی اسکدار» (برگ ۱۵۸ پ). من ارتباط این یادداشت را با تاریخ کتاب مصباح الارواح در نیافتم و بعید می دانم منظومه فوق، در تاریخ مذکور کتابت شده باشد. مرسوم این است که تاریخ کتابت بلافاصله بعد از اتمام نسخه به قلم کاتب بیاید نه یک ورق بعد از آن با قلمی دیگر.

دستنویس کمانکش در بردارنده ۱۳۴۹ رباعی است که نوزده رباعی آن تکراری است: هفده رباعی دو بار و یک رباعی سه بار تکرار شده است. شش رباعی متن، متعلق به یاران و مریدان اوحد است که در ستایش یا مرثیه او سروده اند: شمس الدین الیاس (سه رباعی)، کریم الدین نیشابوری (دو رباعی) و شمس الدین تفلیسی (یک رباعی). بنابراین تعداد رباعیات شیخ در این دستنویس با حذف تکراری ها و رباعیات دیگران، بالغ بر ۱۳۲۴ رباعی است. از جهت تعداد رباعی، این دستنویس بعد از دستنویس ایاصوفیا قرار می گیرد.

دستنویس کمانکش، دیباجه ناقصی دارد که بخش تحمیدیّه آن که در ورق اول کتاب بوده، از دست رفته است. آنچه باقی مانده، بخش هایی از نعت پیامبر اسلام (ص) و سپس، غرض اصلی نگارش دیباجه است. ما این بخش اخیر را به جهت اهمیت آن نقل می کنیم (برگ ۲-۲ پ):

اما بعد، اصحاب ذوق [و] کیاست و ارباب شوق و فراست را معلوم باشد که رباعیات و ابیاتی که از نفس همایون و طبع موزون و قریحت شریف و رویت لطیف شیخ ربّانی و عارف سبحانی، گل بوستان حقیقت، بلبل گلستان طریقت، سالک راه یقین، کاشف رموز حقایق دین، عالم اصول کشف و خلوت و عامل طرق صفوت و جلوت، سرّ اولیاء شرف الاصفیاء **اوحد الملة و الدین الكرمانی** روح الله سرّه العزيز و قدس الله معانیه الغریز صادر شده و کسوت نظم یافته است، هر یک جوهری ثمین است و معانی متین و سحری حلال و شربتی زلال و سرّی خافی و فایده ای شافی و تحفه ای جسیم و هدیه ای عظیم و لمعه ای کریم و لطفی عمیم بل جنّات عدن نعیم. هر

کلمه‌ای بحری و هر حرفی سحری و و هر مصراعی چراغی و هر بیتنی گلستانی و باغی، هر رباعی عالمی پرمعانی و هر دو بیتنی ترجمه‌ای از تفسیر سبع المثانی؛ لیکن چون مثل نجوم متبّد و منتشر و در آفاق متفرّق و منتشر بود و کسی عقود جواهر آن را نظامی، و نجوم زواهر آن را ارتباط و التیامی نکرده است و جمعی شامل و تألیفی کامل نیافته، التقاط انتظام آن از جمله لوازم و واجبات و جوازم و مفروضات نموده، تمامت آن ابیات خوب و جمیع آن رباعیات محبوب مرغوب را از هر جا جمع کرده و مشروح و مجمل و مبوبّ و مفضل گردانیده شد و در هر معنی که از انفاس مبارک و الفاظ متبّزک آن یگانه جهان و قطب زمین و زمان؛ **مصرع: چه گویم زاوحد که او حد ندارد**، به وجود آمده است، بابتی معین و فصلی مبین کرده آمد تا مریدان صادق و معتقدان عاشق به سرچشمه مطلوب و فواید سماط مواید عید (۶) چون حلواء بی دود، آسان و زود اختصاص و سعادت اقتباس یابند.

اگر ادعای نویسنده دیباجه را درست بگیریم، رباعیات اوحد تا زمان تدوین نسخه حاضر، هنوز جمع‌آوری نشده و تألیفی کامل نیافته بود. طبق این ادعا، می‌توان نسخه کمانکش را اولین مجموعه مدوّن رباعیات اوحد کرمانی تلقی کرد. گردآورنده نسخه ایاصوفیا نیز به صورت ضمنی این مسئله را تأیید کرده که رباعیات اوحد گرد آمده بوده، لیکن «ترتیبی مرتّب نداشت» (دیوان رباعیات، ۸۹). البته گردآورنده انیس الصالحین نیز ادعای مشابهی را مطرح کرده است: «بر شما لازم گشت رباعیات شیخ را جمع کردن و به ترتیب مقامات مبوبّ گردانیدن» (برگ ۶۴). تفسیر و تحلیل این ادعاها می‌تواند این باشد که هیچ کدام از گردآورندگان مذکور، از کاریکدیگر مطلع نبوده‌اند و هم‌زمان بدین امر مبادرت کرده‌اند. مقایسه ترتیب رباعیات و نوع گردآوری آن‌ها در سه مجموعه فوق نشان می‌دهد که شباهت ساختاری میان هیچ کدام از آن‌ها برقرار نیست و فقط در ترتیب بعضی فصول میان مجموعه کمانکش و ایاصوفیا مشابهت‌هایی دیده می‌شود.

مجموعه کمانکش بارباعی زیر آغاز می‌شود (برگ ۳):

خواهی کسه بیابایی دل کاراگه را وز خود به خدا عیسان ببینی ره را
بر تخت دلت نشنان به شمشیر زبان شاهنشسه لا اله الا الله را

و بارباعی زیر به پایان می‌رسد (برگ ۱۳۸-۱۳۸پ):

از کم خوردن، زیرک و هشیار شوی وز پُرخوردن، ابله و بیکار شوی
پُرخواری تو، جمله ز پُرخواری توست کم خواری شوی، اگر تو کم خواری شوی

ویژگی‌های مهم کتابتی و رسم الخطی این دستنویس به طور اجمال عبارتند از: درج نقطه دال در کلماتی که دارای ذال معجمه هستند؛ اعراب گذاری برخی کلمات و استفاده از اشکال و علائم کتابتی

«فی المثل بالای حرف سین»؛ عدم درج سرکش گاف و نگارش ج به جای چ؛ چسباندن حرف «به» به کلمات بعدی: بحضرت، بفضل، بخود (در جمیع موارد)؛ کتابت حرف پ رویه یکسانی ندارد، گاه به صورت ب است (برهنه بایان، سببذ، بشت، بیر)، گاه سه نقطه آن کامل درج شده (پاک، پرده، پندار، می پویم، میسند) و گاه یک کلمه به هر دو صورت کتابت شده است (پندار/ بندار)؛ عناوین رباعیات یک درمیان با جوهر سرخ نگاشته شده؛ اغلاط متن یا صورت های پیشنهادی دیگر در هامش نسخه یا بالای متن گاه توسط کاتب و گاه به قلمی دیگر درج شده؛ نسخه به صورت کامل جدول بندی شده و هر رباعی در جدول خود قرار گرفته است. در هر طرف اوراق پنج رباعی کتابت شده، ولی تنظیم آن بدین گونه است که چهار رباعی کامل است و بالا و پایین صفحه دو بیت مجزا آمده، بالا، بیت دوم رباعی قبل و پایین بیت نخست رباعی و این گویا به خاطر جلوه بصری متن بوده است؛ در حاشیه ورق ۴۵ یکی از خوانندگان یا دارندگان نسخه، متنی طولانی در اعتراض به یکی از رباعیات اوحد نوشته است. همین فرد در برگ ۴ پ قطعه ای را در نعت امیرالمؤمنین حسین در هامش نسخه کتابت کرده که ربطی به اوحد ندارد و در وزن رباعی نیز نیست.

دستنویس کمانکش فاقد آن نظم و فصل بندی نسبتاً دقیق دستنویس ایاصوفیاست. ولی رباعیات آن به صورت موضوعی کنار هم قرار گرفته اند و نظمی تقریبی دارند. گردآورنده نسخه کمانکش به نظم الفبایی قوافی رباعیات نسبتاً متعهد بوده و سعی کرده است رباعیات هر موضوع را بر اساس حروف تهجی قافیه آن ها نظم بدهد. البته این نظم دهی را با دقت کافی انجام نداده و در بسیاری موارد نظم کار به هم خورده، ولی تعهد ذهنی او به این امر کاملاً مشهود است. نکته جالب اینجاست که از برگ ۳۰۳ تا انتهای نسخه، رباعیات متن کلاً ترتیب الفبایی به خود گرفته (بر اساس حروف تهجی قافیه و ردیف) و عناوین و موضوعات رباعیات، تابعی از همین نظم است و در نتیجه آن، درج عناوین به تکرار انجامیده است؛ مثلاً عنوان «عشق» در این بخش سه بار و عنوان «فقر» دو بار تکرار شده است. در حالی این موضوعات در بخش اول، جداگانه در جای خود آمده، ولی رباعیات آن متفاوت است. شاید این نکته که گردآورنده نسخه ایاصوفیا می گوید رباعیات شیخ ترتیبی مرتب نداشت و درهم آمیخته بود و فاقد فصل بندی دقیق بود، به نسخه کمانکش یا منبع اصلی آن در نظر داشته است.

با این حال، نظم موضوعی نسخه کمانکش، به نسخه ایاصوفیا شباهت بیشتری دارد تا نسخه دانشگاه استانبول (انیس الطالبین). این شباهت، همان طور که گفتیم، در نیمه اول نسخه بیشتر است و در نیمه دوم نسخه، کمتر. ما در جدول زیر، ده عنوان اول نسخه کمانکش را با عناوین آغازین نسخه ایاصوفیا تطبیق داده ایم:

عنوان در کمانکش	تعداد رباعی	عنوان در ایاصوفیا	تعداد رباعی	رباعیات مشترک
		التوحيد و التقديس و التنزيه		--
فی فضیلت ذکر	۹	التهليل و الذكر	۱۱	۶
		مناجات فرمايد	۹۲	--
		القدرة	۱	--
		القرآن	۲	--
فی نعت النبی علیه السلام	۲	نعت النبوة	۵	۲
در نعت امیرالمؤمنین ابی بکر رضی الله عنه	۱	مدح الصحابه	۳	۳
در نعت امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه	۱			
در نعت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه	۱			
فی نعت امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه	۱	امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه	۱	۱
فی نعت امیرالمؤمنین حسن رضی الله عنه	۱	امیرالمؤمنین حسن رضی الله عنه	۱	--
		امیرالمؤمنین حسین رضی الله عنه	۱	--
		التوکل	۳	--
فی معرفة الحق و النفس	۱۷			--
فی تهذیب النفس	۶			--
فی الرضا و التسليم	۲۳	الرضا و التسليم	۳۴	۱۸

البته بعضی از عناوین غایب در این جدول، مثل مناجات و تهذیب نفس، در بخش های دیگر دو نسخه موجود است؛ ولی برخی عناوین دیگر، مثل توحید، موجود نیست. همچنین مقایسه تعداد رباعیات دو نسخه در عناوین مشترک، نشان دهنده آن است که در هر دو نسخه رباعیاتی وجود دارد که در نسخه دیگر نیست. فی المثل، در موضوع تسلیم و رضا، نسخه کمانکش با اینکه تعداد رباعیات کمتری دارد (۲۳ به ۳۴)، ولی پنج رباعی دارد که در نسخه ایاصوفیا نیست. این وضعیت در کل نسخه تقریباً به همین منوال است. در این دو نسخه، بیشترین رباعیات مشترک مربوط به موضوع «عشق» است. نسخه کمانکش در این موضوع ۱۴۸ رباعی دارد و ایاصوفیا ۱۷۶

رباعی و رباعیات مشترک آن‌ها، ۱۴۲ رباعی است. جالب این است که چیدمان رباعیات دو نسخه نیز در این موضوع بسیار به هم شبیه است. با اینکه گردآورنده نسخه ایاصوفیا در سراسر نسخه الزامی به نظم رباعیات بر اساس حروف تهجی قافیه‌ها نشان نداده، در این فصل این نظم را شبیه نسخه کمانکش رعایت کرده و این قریب‌ه‌ای می‌تواند باشد برای حدس که گردآورنده نسخه ایاصوفیا به دستنویس کمانکش (یا منبع اولیه آن) نظر داشته است.

برخی مزایای دستنویس کمانکش

نگارنده سال‌هاست که آهسته و پیوسته، گردآوری و تصحیح رباعیات منسوب به اوحدالدین کرمانی را دنبال می‌کند. حاصل جست‌وجوهای من علاوه بر گردآوری رباعیات پراکنده اوحد از یک صد منبع کهن، یافتن دستنویس‌هایی بوده است که مصححین پیشین در اختیار نداشته‌اند. تعداد این دستنویس‌های نو یافته درخور توجه است و به امید خدا در مقدمه تصحیح آن‌ها را معرفی خواهم کرد.^۴ با دسترسی به دستنویس کمانکش، گمان می‌برم که کارگردآوری نسخه‌های مورد نیاز برای تصحیح رباعیات اوحد به پایان خود نزدیک شده است. نسخه کمانکش مزایایی دارد که امر تصحیح رباعیات مذکور را چند گام به پیش می‌برد.

نسخ رباعیات اوحد با همه قدمتی که دارند، مشکل اصلی‌شان این است که گردآورندگان‌شان دانش ادبی کافی نداشته‌اند. ایشان مریدان دلبسته شیخ بوده‌اند و شاید ذوقی داشته‌اند، ولی دانش و دقت نداشته‌اند. از همین رو، در نقل و استنساخ رباعیات اوحد، خطاهای بسیاری مرتکب شده‌اند که برخی از آن‌ها (مثل عیب تکرار قافیه) جزو اصول بنیادین شعر است.^۵ دستنویس کمانکش نیز از این عیب مبرا نیست، ولی به کمک آن می‌توان برخی کاستی‌ها و ایرادهای منابع دیگر را برطرف کرد. بنده چند مورد آن را نمونه‌وار در معرض داوری مخاطبان قرار می‌دهم.

۱) رفع عیب تکرار قافیه

همان‌طور که گفتیم، یکی از مشکلات اساسی نسخه‌های کهن رباعیات اوحد، بالاخص دستنویس ایاصوفیا، وجود عیب تکرار قافیه در تعدادی از رباعیات متن است. دستنویس کمانکش با ضبط کلمات درست، برخی از این عیوب را برطرف می‌کند که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم. در رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۲۲۷):

۴) بنده پیشتر در مقاله «منابع رباعیات اوحدالدین کرمانی» که در سال ۱۳۹۲ منتشر شد (رک. فهرست منابع)، پانزده دستنویس رباعیات اوحد را معرفی کرده‌ام. برخی از این منابع، گزیده‌ای از رباعیات اوحد را در بردارند. با توجه به یافته‌های جدید، این مقاله نیازمند بازنگری اساسی است.

۵) مسئله تکرار قافیه در رباعیات اوحد نیازمند بررسی همه‌جانبه است و در مقدمه تصحیح تازه رباعیات اوحد به این مهم رسیدگی شده است.

در بـاغ رخت گـر به تماشا گـردیم از عقل بری شـویم و رسوا گـردیم
 ما مسـتـانیم و روی تو گلزار است ترسم که از آن شـو کوفه رسوا گـردیم
 در دستنویس ایاصوفیا که مبنای چاپ ابومحبوب بوده، کلمه «رسوا» در مصراع دوم و چهارم
 تکرار شده است. کلمه قافیه در مصراع دوم طبق دستنویس کمانکش (برگ ۲۰)، «شیدا» است
 که هم عیب تکرار قافیه را برطرف می‌کند و هم تناسب بیشتری با «بری شدن از عقل» دارد. یاد ر
 رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۲۲۳):

عشـق آن نـبـود که نـیک دانی خود را یـیـاد ریک دل مقام سـسـازی صدرا
 عشق آن باشـد که از خود آگه گردی و آن گـه توفدای یارسـسـازی خود را

کلمه «خود» دو بار قافیه شده است. در کمانکش (برگ ۲۳)، قافیه اول «بد» است. نیک دانستن
 بد، معنایی فراتر از نیک دانستن خود دارد. یا در رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۱۲۶):

فریاد از آنچه نیسـت و می‌خوانندم زاهد نیم و به زهـد می‌خوانندم
 گر زآنکه درون بـسـرون بگردانندم مسـتـوجب آنم که بسـوزانندم

کلمه «می‌خوانندم» در موضع قافیه تکرار شده است. در نسخه کمانکش (برگ ۱۲۶ پ)، قافیه
 مصراع نخست «می‌دانندم» است که عیب تکرار قافیه ندارد.^۶ در رباعی زیر (همانجا):

بـردار نظر ز دیگران تـسـا خود باش وز مکر خدا حذر کـن و با خود باش
 ور زآنکه نجات آخـرت می‌طلبی تو نیک شـو و جمله جهان گو بد باش

کلمه «خود» دو بار در موضع قافیه نشسته است. طبق روایت نسخه کمانکش (برگ ۶۱ پ)، ضبط
 درست مصراع اول «با خود باش» و ضبط درست مصراع دوم «بخرد باش» است (ایضاً رک. انیس
 الطالبین، ۳۱). در رباعی زیر (همانجا، ۱۱۶):

می‌کن سـتمی و هرچه بادا بادا کم گـیـردمی و هرچه بسـادا بادا
 از سـود و زیان آنچ نامش عمر است مایـیـم ودمی و هرچه بسـادا بادا

علاوه بر عیب تکرار قافیه (دمی در مصراع دوم و چهارم)، توصیه «می‌کن ستمی» برخلاف رسم
 مرآت و اخلاق است. دستنویس کمانکش (برگ ۶ پ) هر دو عیب را برطرف کرده: قافیه مصراع
 دوم «کم گیر کمی» است و مصراع اول نیز «می‌کش ستمی» است (رک. انیس الطالبین، ۳۴ پ).
 ستم کشیدن در اینجا به معنی هموار کردن ناملایمت‌های دیگران بر خود است. با این شواهد
 دانسته می‌شود که ایراد تکرار قافیه در نسخ رباعیات اوحد، اغلب ناشی از بی دقتی در ضبط است
 و موارد بسیار معدودی است که ممکن است خود گوینده به دلایلی بدان تن داده باشد.

۶) کاتب دستنویس ایاصوفیا این رباعی را دو بار آورده و در موضع دوم (دیوان رباعیات، ۱۹۶) عیب قافیه وجود
 ندارد. رباعی در ضبط ابوالمجد تبریزی نیز مطابق روایت کمانکش است (رک. جُنگ رباعی، ۴۰۸).

۲) ضبط‌ها و روایت‌های بهتر

یکی دیگر از مزایای دستنویس کمانکش، رفع مشکلات چاپ‌های موجود است که برآمده از نسخ خطی در اختیار مصححان است. فی المثل در رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۱۲۶):

ای دل طمع وصل بیهوده مدار کزدوسست جزا و نیست کسی برخوردار
هرکس ز کمال او [ورا] نیست خبر او در پس پرده مانده ما در پندار

مصراع سوم در دستنویس ایاصوفیا ضبط مغشوشی دارد و مصحح محترم برای معنی‌دار کردن بیت و بسامان آمدن وزن، کلمه «ورا» را قیاساً به متن افزوده که باعث سستی عبارت شده است. مصراع سوم مطابق روایت نسخه کمانکش (برگ ۶۱ پ) چنین است: «عمری است که تا در طلبش می‌پویم» که روایتی کاملاً متفاوت، و بهتر از روایت پیشین است. کلمه «پندار» در مصراع چهارم، تصحیح قیاسی مصحح کتاب است؛ وگرنه در دستنویس ایاصوفیا این کلمه «بیزار» قید شده است (برگ ۲۸).^۷ ضبط نسخه کمانکش، مؤید حدس درست مرحوم احمد ابومحبوب است. در رباعی زیر (همانجا، ۲۴۶):

ظلم از دل وز دین بی‌برد نیرو را عدل است که او قوی کند بازو را
بسام عدلت ارچه کافری بدکاری تا حشر به طبع می‌سستایند او را

در مصراع سوم «بدکاری» ضبط نامربوط و نامفهومی است. در نسخه کمانکش (برگ ۱۰۴) به جای آن «بدکسری» ضبط شده که درستی آن از هر جهت آشکار است.^۸ دادگری کسری مشهور است. در مصراع نخست نیز ضبط کمانکش «از دل و از دین» است. در رباعی زیر (همانجا، ۲۴۷):

ششادی طلبی برو گدای همه باش بیگانه خویش و آشنای همه باش
خواهی که تو را چو دیده بر سر دارند دست همه بوس و خاک پای همه باش

با یک نظر به ساختار رباعی که مبتنی بر تضاد و تناسب کلمات است، متوجه می‌شویم که کلمه «شادی» اینجا در جای خودش قرار نگرفته است. مطابق ضبط نسخه کمانکش (برگ ۸۹ پ) درستش «شاهی» است. این کلمه، زنجیره تناسب رباعی را کامل می‌کند: شاه/ گدا؛ بیگانه/ آشنا؛ دست/ پا.^۹ در رباعی دیگر (همانجا، ۱۱۶):

۷) محمد کانا، مصحح و مترجم ترکی رباعیات اوحد، این کلمه را «مزار» خوانده و به دلیل مغشوش بودن ضبط بیت دوم رباعی در دستنویس ایاصوفیا، از ترجمه رباعی صرف نظر کرده است (Rubailer Evhadüddin-i Kirmâni, 280).

۸) آفسرایی که به رباعیات اوحد توجه زیادی داشته، رباعی مذکور را بدون نام‌گوینده نقل کرده (تاریخ سلاجقه، ۴۷) و ضبط او مؤید ضبط نسخه کمانکش است.

۹) شیخ امین‌الدین تبریزی که گزیده رباعیات اوحد را احتمالاً بر اساس دستنویس ایاصوفیا فراهم آورده، «شادی» ضبط کرده (رک. جنگ رباعی، ۴۲۳)، ولی در انیس الطالبین (برگ ۹) موافق ضبط کمانکش

ای گشته به اسباب غمت جانم شاد از درد تو هرگز دل من ســـــور مباد
هر کس که نمیرد چـــــو من اندر پایت او خود نبود زنده کـــــه هرگز مزیاد!
«سورمباد» در مصراع دوم نحو نادرستی دارد. ضبط درست آن مطابق نسخه انیس الطالبین
(برگ ۳۳ر)، «دورمباد» است. اما در نسخه کمانکش ما با روایت متفاوتی سروکار داریم: بی درد
تو هرگز دلم آباد مباد (برگ ۷پ).

در رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۲۱۰؛ انیس الطالبین، ۴۰ر):

چون عشق ولای خود دمیدن گیرد جان از همه آفاق رســـــیدن گیرد
جایی برسد دیده که در هر نفسی بی زحمت دیده دوست دیدن گیرد
اجزای رباعی چندان دقیق و به هم پیوسته نیست. اما در روایت کمانکش انسجام بیشتری به
چشم می خورد (برگ ۲۷پ):

چون صبح ولای حـــــق دمیدن گیرد جان از همه آفاق رمیدن گیرد
جایی برسد مرد که در هر نفسی بی زحمت دیده، دوست دیدن گیرد
«رمیدن» در مصراع دوم فعل مناسب تری است؛ هم به لحاظ معنایی و هم تقارن موسیقایی با
دمیدن. کلمه «دیده» در مصراع سوم بسیار نابجا به کار رفته و «مرد» گزینه درستی است. مؤید
این ضبط، نقل رباعی در تاریخ جهانگشای جوینی است (ج ۱، ص ۱۰) که جزیک کلمه، با ضبط
کمانکش انطباق کامل دارد و تنها تفاوت آن ها، «دیو» به جای «جان» در مصراع دوم است.
ردیف رباعی زیر (دیوان رباعیات، ۲۱۹):

تا در سر ســـــودای تو منزل کردیم سوزی اســـــت مرا کز آتش دل کردیم
در شـــــهر همه مباحی ام می خوانند نیکو نامی ز عشق حاصل کردیم
در دستنویس کمانکش (برگ ۳۴پ) به صیغه مفرد است و این وجه با توجه به وجود ضمایر مفرد
در مصراع دوم و سوم، درست تر به نظر می رسد. البته عدم تطابق ضمایر در شعر فارسی امر نادری
نیست، ولی مستحسن شمرده نمی شود. این عدم تطابق ضمایر در مصراع دوم رباعی،
همچون بخیه ای بر روی کار است.

۳) کامل کردن رباعیات ناقص یا مخدوش

در دستنویس ایاصوفیا رباعیاتی وجود دارد که به دلیل ایراد کتابت یا مخدوش شدن نسخه،
ناقص مانده است. نسخه کمانکش مشکل این رباعیات را حل می کند. نمونه بار آن، رباعی زیر

است (دیوان رباعیات، ۲۰۷):

در عشق تو هستی جهان حاصل ماست اشکال جهان ز قصه مشکل ماست
هر دم که یقین بی شک که د

با بررسی اصل دستنویس ایاصوفیا، متوجه شدیم که کاتب بیت دوم را جا انداخته و فرد دیگری بعدها بیتی را که به زعم خودش همان بیت از قلم افتاده می دانسته، در حاشیه افزوده است. لیکن به دلیل بُرش لبه کاغذ، این بیت افزوده نیز دچار نقصان شده است. در نسخه کمانکش رباعی کامل است و بیت دوم آن کاملاً با کلماتی که در چاپ آمده متفاوت است (برگ ۲۴ پ):

بالله که به صد ملک سلیمان ندهم یک دژه از این سوز که اندر دل ماست

۴) رباعیات نو یافته

دستنویس کمانکش ۷۷ رباعی افزوده دارد که اغلب آن ها منحصر به همین نسخه است و نو یافته محسوب می شود و چند مورد آن ها در برخی از منابع پراکنده به نام اوحد به چشم می خورد. از دسته اخیر، می توان به رباعی زیر اشاره کرد (برگ ۵۴ پ)

ای در ره عشق تو جهان سرگردان بحری است امید وصل تو بی پایان
عمری است که گشته است بر بنده عیان کالبته به تو بی تو رسیدن نتوان
یا رباعی زیر (برگ ۱۲۳ پ):

روزی دو سه از جهل شدم دشمن عیش یک دانه نیافت جانم از خرمن عیش
چون دانستم که نیک و بد می گذرد غم را چه کنم؟ دست من و دامن عیش!

که هر دو در سفینه کهن رباعیات به نام اوحد ثبت شده (ص ۸۷، ۹۳) و درج آن در دستنویس کمانکش بر قوت استنادی منبع مذکور که تا امروز منبع یگانه این دو رباعی و چندین رباعی دیگر اوحد محسوب می شد، می افزاید و مشخص می دارد که گرد آورنده آن، منبع دست اولی از رباعیات شیخ در دست داشته است. برای آشنایی خوانندگان محترم این نوشته، چند فقره از رباعیات نو یافته دستنویس مذکور را نقل می کنم:

گر می دانی که عشق را معنی چیست در عشق از این یگانه تر باید زیست
گویی که: تو آن من و من آن توام ای بی معنی! من و تو یعنی که دوی است

(دستنویس کمانکش، برگ ۲۵ ر)

نابوده و بوده در شمار ما نیست جز آمده نقد روزگار ما نیست
چون دور فلک به اختیار ما نیست از دور به جز نظاره کار ما نیست

(دستنویس کمانکش، برگ ۲۰۲-۱۰۲پ)

عشق ارگندم زیر و زبر، باکی نیست
غم گر خوردم خون جگر، باکی نیست
زین تحفه در این راه بسی خواهد بود
با ما تو چگونه ای، دگر باکی نیست^{۱۰}

(دستنویس کمانکش، برگ ۱۰۶ر)

عشق تو عظیم کاری دارد
در عشق تو بیزار شدم از^{۱۱} همه کار
در هر گنجی شکسته یاری دارد
کین کار کسی نیست که کاری دارد

(دستنویس کمانکش، برگ ۲۸پ)

هان ای دل خسته کاروان می‌گذرد
اندر همه عمر ما دمی خوش بودیم
ببذار شو آخر که جهان می‌گذرد
باقی همه برامی‌دان می‌گذرد

(دستنویس کمانکش، برگ ۱۰۰پ)

سودای نواموختگان خوش باشد
ما را نفس عود، خوش آید پیوست
غم‌های غم اندوختگان خوش باشد
آری نفس سبوختگان خوش باشد

(دستنویس کمانکش، برگ ۲۵ر)

تا کی باشی فضول ای بی سرو بُن
گر دوست به جای خرقه زُتار دهد
تا کی گویی در بد و در نیک سخن
آن کس که بود کسه گوید او را که مکن؟

(دستنویس کمانکش، برگ ۱۳۱ر)

اسرار تو پیش روح نتوان گفتن
من در یک شب چه قصه خویش کنم؟
حرفی به دو صد فتوح نتوان گفتن
این قصه به عمر نتوان گفتن

(دستنویس کمانکش، برگ ۱۳پ)

ببزارش و از بدی و نیکی می‌کن
چون گفت و شنید ما ز نیکی و بدی است
در جای یکی بدی، دو نیکی می‌کن
انگار که من بدم، تو نیکی می‌کن

(دستنویس کمانکش، برگ ۹۰پ)

(۱۰) بیت دوم رباعی در یک رباعی مولانا با اندکی تغییر دیده می‌شود (رک. کلیات شمس یاد دیوان کبیر، جزو هشتم، ۶۶).

(۱۱) اصل: در. نجم رازی بیت دوم رباعی را بی نام گوینده نقل کرده (مرصاد العباد، ۵۳۷) و در آنجا مصراع سوم، چنین است: در عشق تو برخاسته ام از همه کار.

افکنده‌ای از کام دو کس، بیشی تو؟ آکنده‌ای از حشــو و هوس، بیشی تو؟
ســرمایه زندگانی‌ات یک نفس است ای هیچ ندیده! یک نفس بیشی تو؟
(دستنویس کمانکش، برگ ۶۷پ)

هر روز به منزلی و هر شــب جایی هر دم نفسی و هر نفس سودایی
افســوس که از آمد [و] شد عمر برفت کس نیست که ما را بنشانند جایی
(دستنویس کمانکش، برگ ۱۸پ)

البته، بعضی از رباعیات نو یافته این نسخه، مدعی هم دارد و چنان نیست که همه آن‌ها از اوحد کرمانی باشد یا در انتساب‌شان به اوحد کرمانی شک و شبهه‌ای وجود نداشته باشد. فی‌المثل، عزیزکاشانی رباعی زیر را (دستنویس کمانکش، ۱۱۸پ):

هر وقت کــه یار نزد ما می‌آید شــب بین که چه کوتاه قبا می‌آید
بر گریه گرم من ببخشــای ای صبح ایــن خنده ســردت ز کجا می‌آید

به اثیرا خسیکتی شاعر قرن ششم منسوب کرده است (روضه‌الناظر، ۲۰۹پ). این انتساب در اوایل قرن هشتم (همزمان با گردآوری دستنویس کمانکش) صورت گرفته است و از حمایت دیوان اثیرا خسیکتی برخوردار نیست و باید آن را رباعی سرگردان محسوب داشت. رباعی زیر (کمانکش، ۷۰پ):

ای دل چو برفست کاروان، همره باش وی عمر! چو هرزه می‌روی، کوتاه باش
ای تن! به یقین بــدان که هر دم که زنی بر ناقد عرضه می‌دهند، آگه باش!

در دیوان سید حسن غزنوی (ص ۳۵۶) دیده می‌شود و به احتمال بسیار سروده اوست.

۵) رباعیات مریدان شیخ

یکی از مزایای نسخه کمانکش، وجود رباعیاتی از سه تن از مریدان شیخ و پاسخ‌های شیخ به آن‌هاست. البته در انتهای دستنویس ایاصوفیا (برگ ۱۳۹-۱۳۹پ) سه رباعی از شمس‌الدین و سه رباعی و بیتی از یک رباعی ناقص به اسم کریم‌الدین نیشابوری نقل شده است. در برگ پایانی نسخه دانشگاه استانبول (انیس الطالبین) نیز چهار رباعی جداگانه آمده (برگ ۶۵ر) که عنوان مشخصی ندارند و به گوینده خاصی نسبت داده نشده‌اند، ولی دو فقره آن با دستنویس ایاصوفیا مشترک است. مزیت دستنویس کمانکش در این بخش این است که تفکیک دقیقی میان رباعیات یاران شیخ و آنچه خود شیخ در پاسخ فرموده صورت گرفته و رباعیات شمس‌الدین الیاس نیز از رباعیات شمس‌الدین تفلیسی جدا شده است. ما این رباعیات را بر اساس نسخه کمانکش و مطابقه با دو دستنویس دیگر اینجا می‌آوریم و توضیحات لازم را بر آن‌ها می‌نگاریم.

- کریم‌الدین نیشابوری

مؤلف مناقب یک بار از او نام بُرده و او را از خلفای کامل شیخ بر شمرده است (ص ۱۸۲).^{۱۲} در دستنویس کمانکش در رباعی به نام کریم‌الدین نیشابوری آمده که یکی در وصف شیخ است و دیگری در مرثیه شیخ. اوحد به یکی از رباعیات او پاسخ گفته است. جوابیه شیخ، در دستنویس ایاصوفیا به خود کریم‌الدین منسوب شده که خطاست. در دستنویس ایاصوفیا بیتنی از یک رباعی به نام کریم‌الدین آمده که صورت کامل آن در انیس الطالبین بی نام گوینده دیده می‌شود.

للشیخ کریم‌الدین النیشابوری فی حق الشیخ

هرتن که در او جوهر دین مفرد نیست ای دل! تو عَرَض دان و عَرَض مقصد نیست دل گفست که در حیزامکان وجود گر جوهر فقر هست، جز اوحد نیست^{۱۳}

جوابه للشیخ

در عالم ترکیب، دل مفرد نیست فرد است در این محل که جز مقصد نیست آن چیز که حد فقر پنداشته‌ای فضل احد است و حد این اوحد نیست^{۱۴} (دستنویس کمانکش، برگ ۱۰۷ پ- ۸-۱۰ ر)

لکریم‌الدین النیشابوری فی حق الشیخ

آن شـیخ که در جهان کسش مثل ندید بیهوده فراق دوسـتان برنگزید پیوند از این جهان سـفلی ببرید برگشت ز ما، مقام علوی طلبید^{۱۵} (دستنویس کمانکش، برگ ۱۱۷ پ)

وله

لا اثبات است، چون به الا پیوست از ما نهد هر آنکه با ما پیوست آن دژه کجا شد که به خورشید رسید و آن قطره کجا شد که به دریا پیوست^{۱۶}

۱۲) مرحوم فروزانفر، کریم‌الدین صوفی را که در جای دیگر مناقب از او یاد شده (ص ۱۶۰)، با کریم‌الدین نیشابوری یکسان دانسته و در فهرست نام‌های اشخاص، این دو نام را تحت عنوان «کریم‌الدین صوفی نیشابوری» یکجا ثبت کرده است (همانجا، ۳۱۰).

۱۳) ایاصوفیا، برگ ۱۳۹ پ: «کریم‌الدین نیشابوری فرماید». مصراع ۱، کمانکش: جوهر دل. مصراع ۲، ایاصوفیا: عرضش دان که.

۱۴) ایاصوفیا، برگ ۱۳۹ پ: «وله». در ایاصوفیا، رباعی از کریم نیشابوری دانسته شده است. مصراع ۲، ایاصوفیا: مرد است. مصراع ۴، کمانکش: «و».

۱۵) ایاصوفیا، برگ ۱۳۹ پ: «مرثیته رضی الله عنه»: انیس الطالبین، ۶۵ (بدون عنوان). مصراع ۲، کمانکش: او بگزید.

۱۶) دستنویس کمانکش رباعی را ندارد. ایاصوفیا، برگ ۱۳۹ پ: «وله». بیت دوم رباعی در این دستنویس

جمال خلیل شروانی، رباعی زیر را به اسم کریم نیشابوری آورده (نزهة المجالس، ۲۲۶). مرحوم دکتر ریاحی کوشیده رباعی را به کریم الشرق نیشابوری برساند (همانجا، ۹۱). به نظر من، رباعی از اشعار کریم الدین نیشابوری مرید اوحد کرمانی است:

بی روی تو روزی که به شـب می آرم صدره به سـرت که جان به لب می آرم
در قلب تو، جز شکسته قلبی سره نیست من قلب شکسته زان سبب می آرم

رباعی فوق، یادآور این رباعی منسوب به اوحد کرمانی است (شاعران قدیم کرمان، ۱۷۱):

پیشت دل خسته را کجا می آرم سـودایی جـسته را کجا می آرم
آنجا سره درست را نیست محل من قلب شکسته را کجا می آرم؟

- شمس الدین الیاس

نام این شخص در فهرست مریدان شیخ اوحد دیده نشده است (رک. مناقب اوحدالدین، مقدمه، ۴۴-۴۶). در دستنویس ایاصوفیا، سه رباعی با عنوان کلی «شمس الدین فرماید» درج شده (برگ ۱۳۹) که ابو محبوب هر سه را به حساب شمس الدین تفلیسی گذاشته، اما گردآورنده دستنویس کمانکش، رباعیات آن هارا تفکیک کرده است. این شخص احتمالاً همان شمس الدین الیاس میدانی گنجه ای است که رباعیاتی از او در نزهة المجالس نقل شده است (مقدمه، ۷۸). وی ممکن است جزو مریدان شیخ وطیفه خانقاهیان نبوده باشد، بلکه از دوستان او و معتقدان اوحد بوده باشد.

لشـمس الدین الیاس فی حق الشیخ

ای چشمه حیوان لب تو عالم را در کاره زار مرده کن یک دم را
وی گشته خجل دم مسیح از دم تو چون تو گهری کجا بود مریم را^{۱۸}
لشـیخ فی حق

نبود عجب از مختـرع عالم را گویند به قدرت آفرید آدم را
کز عیسی ولؤلؤ بکند آبتن هم مریم بکر را و هم مریم را^{۱۹}
(دستنویس کمانکش، برگ ۱۰۴ پ)

لشمس الدین الیاس فی حق الشیخ

ای همست تو مدبـر ملک ابد وی وصف تو در کمال بگذشته ز حد
واوی است نشـانه ولایت ز میان ورنی دویی نیست ز اوحد به احد^{۱۹}

نیست. انیس الطالبین، ۶۵ (بدون عنوان).

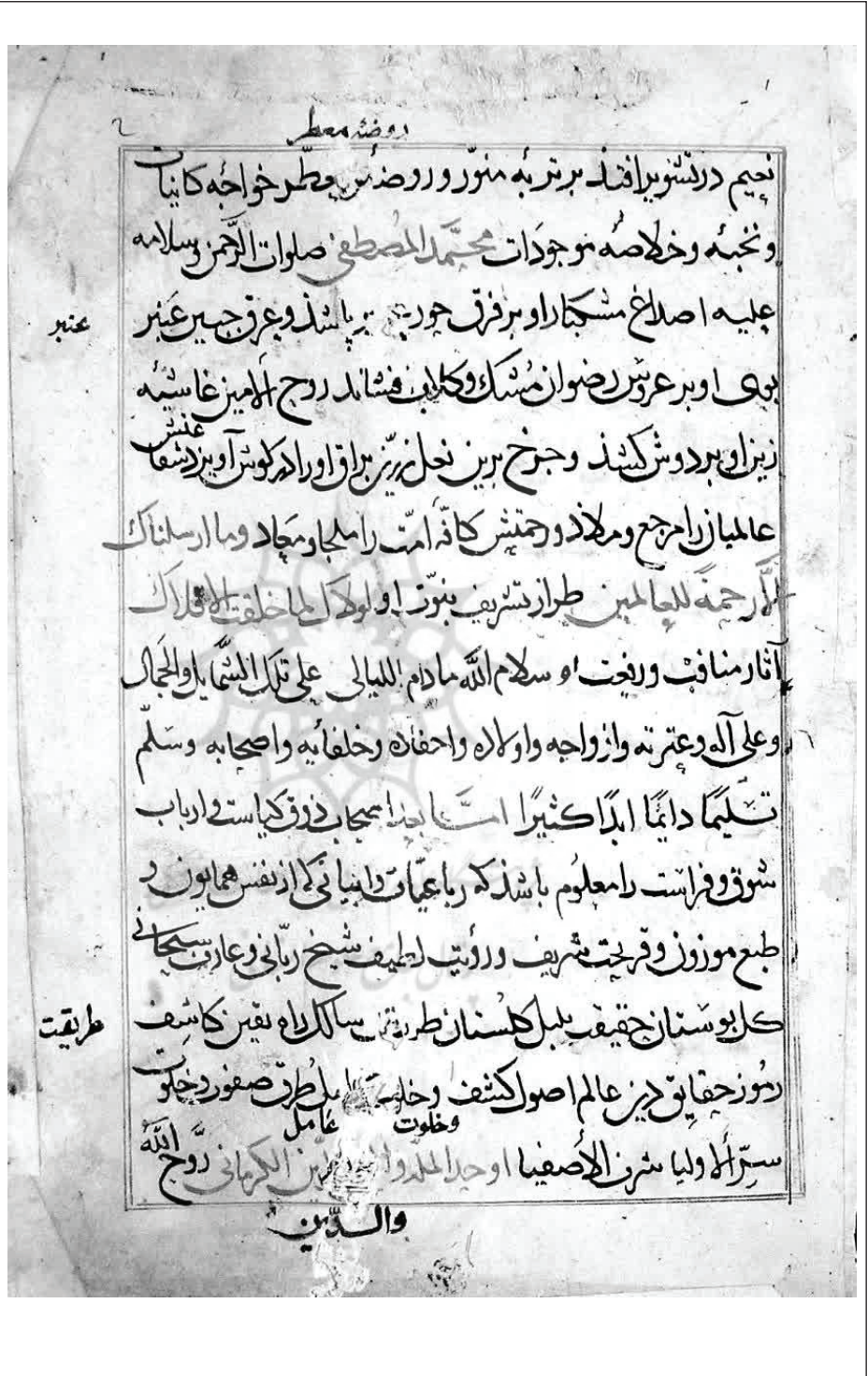
(۱۷) ایاصوفیا، برگ ۱۳۹: «شمس الدین فرماید». انیس الطالبین ندارد.

(۱۸) دو دستنویس دیگر این رباعی را ندارند.

(۱۹) ایاصوفیا، برگ ۱۳۹: «شمس الدین فرماید». انیس الطالبین ندارد. مصرع ۱، کمانکش: ملک احد.

فهرست منابع

- الحوادث الجامعة، کمال الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی معرف به ابن الفوطی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱
- انیس الطالبین و جلیس الصالحین: رباعیات اوحدالدین کرمانی، دستنویس شماره ۴۷۰۱ کتابخانه دانشگاه استانبول، بدون رقم، نسخ سده هفتم ق، با یادداشت‌هایی به تاریخ ۷۰۶ ق و ۷۳۹ ق، ۶۵ برگ
- تاریخ جهانگشای، عطاملک جوینی، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن، مطبعه بریل، ۱۹۱۱-۱۹۳۷ م، ۳ ج
- تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، محمود بن محمد آفسرای، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، آنقره، تاریخ انجمن ترک، ۱۹۴۳ م
- جنگ رباعی، پژوهش و ویرایش سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۴
- دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶
- دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح عباس بگ جانی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷
- رباعیات اوحدالدین کرمانی، دستنویس شماره ۲۴۳ کتابخانه کمانکش امیرخواجه، بدون رقم، سده ۷-۸ ق، ۱۳۸ برگ
- دستنویس شماره ۲۹۱۰ کتابخانه ایاصوفیا، با تاریخ ۷۰۶ ق، ۴۹۶ برگ
- روضه الناظر و نزهة الخاطر، عبدالعزیز کاشانی، دستنویس شماره ۴۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق، ۳۰۴ برگ
- سفینه کهن رباعیات، تصحیح و تحقیق ارحام مرادی و محمد افشین وفاپی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵
- «سفینه نوحی و مجموعه روحی: بررسی دو سفینه کهن فارسی در حوزه آنا تولی»، سید علی میرافضلی، گزارش میراث، دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم (۸۸-۸۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ (انتشار پاییز ۱۴۰۰)، ۱۴۸-۱۶۰
- شاعران قدیم کرمان، پژوهش سید علی میرافضلی، تهران، نشر کارزونی، ۱۳۸۶
- کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۵۵، ۸ ج
- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه دهخدا، دوره جدید، چاپ دوم: ۱۳۷۷، ۱۵ ج
- مجمعل فصیحی، فصیح خوافی، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶، ۳ ج
- مرصاد العباد من المبدء الی المعاد، نجم الدین ابوبکر بن محمد رازی، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم: ۱۳۶۶
- مصباح الارواح، شمس الدین محمد بردسیری کرمانی، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم: ۱۳۹۳
- «منابع رباعیات اوحدالدین کرمانی»، سید علی میرافضلی، اوراق عتیق، دفتر سوم، به کوشش سید محمد حسین حکیم، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، ۸۵-۱۰۳
- مناقب العارفین، شمس الدین احمد افلاکی عارفی، تصحیح و تعلیق تحسین یازجی، ویرایش توفیق هدسبحانی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۹۶
- مناقب اوحدالدین کرمانی، با تصحیح و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷
- نزهة المجالس، جمال خلیل شروانی، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶
- نفحات الأُنس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، تصحیح محمود عابدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰



تصویر اول: رباعیات
 اوحدالدین کرمانی،
 دستنویس شماره ۲۴۳
 کتابخانه کمانکش،
 برگ آغاز نسخه (دیباچه
 رباعیات)

و سعادت اقسام ما بند اللہ را جعلی من تره و اخصی
 من جملتهم و الحمد لله حمدا دائما ابدًا طیبًا مبارکًا فيه و صلوات
 علی خیره خلق من بریه محمد بنی الامی المصطفی الحزب
 و علی آله و صحبه و سلم نسلیما کثیرا کثیرا

فی فضیلت الذکر

خواهی که بیای در کار آله را	و خرد بخند اعیان بنی زه را
برخت دلت نسان بشیر زبان	شاهنشاه لا اله الا الله را

وله ایضا

از ذکر می نور فراید مه را	در راه حقیقت آرزو کم زه را
هو شیخ و نماز سام و در خرد ساز	این گفتن لا اله الا الله را

وله ایضا

خواهی که بمنزل برسانی زه را	در مملکت ابد بنی شه را
بر خالص و مخلص تو طلب لازم دار	لا طوبی لا اله الا الله را

وله ایضا

بوی ذکر ما ش یادم از معبودت	کز ذکر می بمنزل و مقصودت
-----------------------------	--------------------------

ذکر می

تصویر دوم: رباعیات
 اوحدالدين کرمانی،
 دستنویس شماره ۲۴۳
 کتابخانه کمانکش، برگ
 ۳ (آغاز رباعیات)

آینه پژوهش ۲۰۳
 سال ۳۴، شماره ۵
 آذر دی ۱۴۰۲

پرخواری تو چهل روز پرخواری قسمت	لم خوار شوی اگر تو لم خوار شوی
خواجده نصیر الطوسی رحمه الله علیه رحمه واسعة	
بفصد سین و بیست و هشت قران کواکب بود بر عظم ماه و پنج بس قران او نشد کنجنا بر او کمان بود	جهانی خواهد بر آشوب کشت بایران توران بود ترس و بیم کز در جهان بس زیان او نشد سیرین خنجر با جلد ریشانی بود
ولی ملک کرد در سراسر خراب سینه ای بر دم نریمان بود	جد شترن جمه منور چرخ کعب مه جستن قوم خورشیدان بود
ولیکن چو ناظر بود مشهوری ایندم جناخت کین ترس باک با سلامیان شوکت آید بدید ازین همه آتین سلسله خوری	بسرخ کیوان سکو کر پی برودی نشیند نباشد هلاک شود رخ کفر از جهان نابدید وزان نیمه تیر بر همدان روی
ازین نیمه شیوان کرمان ایگ انفاقان بنزدیک شاه	سپاهای کجوشند بمقدار یک شود کادهاشان سراسر شاه
عمدا کادش بود در ویاک بلوک سلاطین بود باشکوه وعیا با بگرد آید از شاه دل علم تنگ کرد در ملک عراق	میانم بود کادها لاجال بود تکیه کیشان جوالد زرگر ببگاردگی خود نباشد کسل شود کاد اسلام باطم طراق
حومی کز بدین قران بود در دست نصاحت بکنند فداوان شود	خواهد میم جرخ اختر گذشت بیمه مردان بخن دان شود
نجوم جوهریست هندسه بدید آیتان مرد صاحب قران بود از جهان را یکی خواستار بخواند بر زبانش سلسله	ازین علمها بر شود مدرسه بپوسند نابیش همه در قران بهر کار دانا و آموزگار بند داند سرخ فدای هموسند
خداوند آنا در رسم نشان ببیند در دولت وین بود	عجایبی کاردان در جهان ماند رسم شکر و طین بود
کند مجد آبا بانگ بنواز عجایبی کاردان در جهان	بدین آواز و در بس شه سر نواز که جاسوس کشتن چنین پرورست

تصویر سوم: رباعیات
اوحدالدین کرمانی،
دستنویس شماره ۲۴۳
کتابخانه کمانکش، برگ
۱۳۸ (پایان رباعیات)